

حماسه های ماندگار

روایتی از جاودانه ترین دفاع تاریخ ایران زمین

جایی برای عقب نشینی نیست



دشمن به نزدیکی خرمشهر رسیده بود. برای بعضی ها، که از شرایط و امکانات مدافعان ایرانی آگاه بودند، اشغال شهر ساده به نظر می رسید، اما در شهر غوغایی برپا بود. جوانان غیرتمند ایرانی خود را برای دفاع جانانه دیگری آماده می کردند. «محمد جهان آرا» و سرهنگ «شریف النسب» مدافعان اندک شهر را سازمان دهی کردند. شهر زیر آتش توپخانه و موشک های گونا برد دشمن قرار داشت. با این حال مقاومت مدافعان حیرت انگیز بود. سه روز از هجوم دشمن می گذشت و بعضی ها هنوز نتوانسته بودند به دیوارهای شهر نزدیک شوند. ماشین جنگی صدام، پشت دروازه های خرمشهر متوقف شده بود. با این حال حلقه محاصره هر لحظه تنگ تر می شد. نیروهای مدافع تقاضای پشتیبانی هوایی و آتش توپخانه داشتند، اما خبری از کمک نبود. «جهان آرا» بارانش را جمع کرد و به آن ها گفت: «این جا مسئله ماندن و شهادت است. خارج از شهادت چیز دیگری این جا نیست. هر کس می خواهد برود، برود. من به عنوان مسئول سپاه این را می گویم.» در چهره هیچ کدام از یاران او تردید دیده نمی شد. به این ترتیب، مقاومت در برابر هجوم دشمن، ادامه یافت.

دشمن قصد داشت به هر شکل ممکن، خود را به پادگان «دژ» برساند، اما با دفاع جانانه افسران و سربازان این پادگان روبه رو شد. آن ها با نیروهای اندکشان، راه را بر چند تیپ زرهی و مجهز دشمن بسته بودند. در جاده منتهی به پلیس راه خرمشهر، مقاومت استوار قاسم خسروی و همزمان معدودش، سدی محکم در برابر عبور نیروهای بعثی ایجاد کرده بود. آن ها، در حالی که تنها به اسلحه سبک مجهز بودند، هفت روز مقاومت کردند و در نهایت همگی به شهادت رسیدند. نیروهای مردمی و سپاه، برای حمایت از رزمندگان ارتشی، خود را به پادگان رساندند، اما دیگر دیر شده بود. آتش سنگین دشمن بر سر مدافعان خرمشهر می بارید. چاره ای جز تخلیه نیروها از پادگان نبود. یکی از مدافعان به ستوان یکم امیری نزدیک شد و از او خواست تا همراه با آن ها، برای دفاع بهتر به سمت شهر برود، اما او پاسخ داد: شما بروید و راه دشمن را ببندید؛ ایران کشور بزرگی است، اما برای امیری جایی برای عقب نشینی وجود ندارد. خون سرخ مدافعان، همه جا را رنگین کرده بود. نیروهای بعثی که در صدد اشغال یک روزه خرمشهر بودند، بازده روز پس از آغاز درگیری، نتوانستند خود را به پشت دیوارهای شهر برسانند. دشمن شهر را دور زده بود. با این حال ورود به خرمشهر غیر ممکن به نظر می رسید. مدافعان شهر به کابوس دشمن متجاوز تبدیل شده بودند. این، جاودانه ترین دفاع تاریخ ایران زمین بود. هر چند مقاومت مدافعان سلحشور خرمشهر، ۳۴ روز دوام آورد، اما دفاع جانانه آن ها از سرزمینشان، برگی زربین را در تاریخ ملت ایران رقم زد.

۳۷۰۱۰

پذیرش تلفنی آگهی بایک رایگان



مهسای عزیز

تبریک می گویم پذیرفته شدنت را در رشته دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد و بهترین ها را برای تو از خداوند منان آرزو مندیم. دکتر ساره قاسم پور، دکتر محمد مهدی حسینی

جناب آقای دکتر علی تقی زاده

متخصص رادیولوژی آنکولوژی

جناب آقای دکتر علی صدی زاده

فوق تخصص جراحی توراکی

از اینکه با تمهد و دلسوزی به معالجه پدر عزیزمان اقدام فرمودید، صمیمانه سپاسگزاریم.

خانواده زارعی

۰۵۸۰۸۳۲۹۹



یک شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۸

۲۲ محرم ۱۴۴۱، شماره ۲۰۲۰۱

خبرسان روزنامه صبح ایران

میراث مکتوب دفاع مقدس

اسرار «پایی که جاماند»



«پایی که جاماند»، یک روایت ناب و دست اول از وقایعی است که آزادگان سرافراز، در دوران دهشتناک اسارت، از سر گذرانده اند. سیدناصر حسینی پور، نویسنده کتاب، دوران اسارت را با جراحی سنگین

سپری کرد و در همین دوره بود که تصمیم گرفت، یادداشت هایی را درباره اوضاع و شرایط اردوگاه، بنویسد. نوشتن در این باره، کار ساده ای نبود؛ زندانبان های عراقی، در تفتیش های روزانه، همه چیز را و ارسای می کردند؛ اما سیدناصر، راهی هوشمندانه برای مخفی کردن دست نوشته هایی که روی کاغذ سیگار به رشته تحریر در آورده بود، پیدا کرد. او با مهارت خاصی، همه کاغذها را به دل عصای خودش سپرد و بعدها، آن ها را با خود به ایران آورد تا گنجینه ای از ناگفته ها را در اختیار مخاطبان و به ویژه جوانان، قرار دهد. کتاب پایی که جاماند، توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

«دا»: روایتی متفاوت از دفاع



«دا» یک روایت ویژه از سال های دفاع مقدس است؛ روایتی که توسط سیده زهرا حسینی، دختری شجاع که در محله فقیر نشین خرمشهر زندگی می کند، نقل می شود. شروع «دا»، آغازی پرشتاب،

غم انگیز و در عین حال، پر هیجان و مملو از تنش دار؛ نویسنده، به عنوان یک شاهد عینی، از پیکرهای صدها شهید می گوید که در شست و شو و دفن آن ها کمک حال دیگران بوده است. «دا» تصویری شور انگیز از ایستادگی یک زن است؛ زنی مسلمان که وقتی سرزمین خود را آماج حمله متجاوزان می بیند، بر می خیزد و دوشادوش مردان، حماسه های ماندگار خلق می کند. با این حال، داستان «دا»، تنها روایت خون و نبرد نیست، می توان در آن، رگه های درخشانی از عواطف انسانی و عشق را هم مشاهده کرد؛ می شود در سپهر خاطرات نگارنده، تا بلندای روح الهی انسان، اوج گرفت و تجربه را در دست آورد که در دیگر عرصه ها، یافت نمی شود. «دا» یکی از آثار پر شمارگان در مجموعه ادبیات دفاع مقدس محسوب می شود. این کتاب به زبان های انگلیسی، اردو، ترکی استانبولی، اسپانیایی و عربی هم، ترجمه شده است.

تبلیغ موثر نوعی ارتباط برای

پاسخگویی بهتر به نیازها

ور فایتمندی بیشتر است

به یاد شیر صحرا، شهید سر لشکر حسن آبشناسان

مردی که «ترس» از او «وحشت» داشت



طی دوران هشت سال دفاع مقدس، دلاور مردان ارتش جمهوری اسلامی ایران، شهدای گرانقدری را در راه پاسداری از میهن اسلامی تقدیم کردند؛ بزرگانی که زندگی و مجاهدت های هر کدام از آن ها، الگویی ناب و نیکو برای جوانان امروز است. سر لشکر شهید حسن آبشناسان یکی از این قهرمانان نام آور بود؛ فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع)، فرمانده لشکر ۲۳ نیروهای ویژه هواپردار ارتش جمهوری اسلامی ایران، استاد آموزشی جنگ های چریکی و نامنظم و طراح و مجری عملیات «قادر». شهید آبشناسان فرماندهای بود که نامش لرزه بر اندام متجاوزان بعثی می انداخت.

■ افسری شجاع و منضبط

او افسری با ایمان، منضبط، ورزشده، باهوش و شجاع بود. شهید آبشناسان که استاد دوره های تکاور و رنجر محسوب می شد، در اوایل جنگ مسئولیت آموزش نیروهای جوان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر عهده داشت. حضور او در کنار رزمندگان و سخنان سرشار از هیجان و انرژی اش، سختی های نبرد را برای سربازان آسان می کرد.

■ شیر صحرا

شهید آبشناسان در میان اهالی منطقه دشت عباس، به «شیر صحرا» معروف بود. رشادت ها و دلاوری های او، صفحاتی زرین در تاریخ ارتش جمهوری اسلامی ایران بر جای نهاد. بی تردید، شهید آبشناسان یکی از مهم ترین و محکم ترین حلقه های

■ ضربات مهلک بر دشمن

شهید آبشناسان در نبردی نابرابر، دو لشکر گارد ریاست جمهوری عراق را که دوره های کماندویی ویژه دیده بودند، به دام انداخت و پس از وارد آوردن تلفات سنگین به آن ها، تعداد زیادی از متجاوزان و از جمله، ژنرال عبدالحمید را به اسارت درآورد. شهید آبشناسان، امیر سرافراز ارتش اسلام، سرانجام در منطقه «سر سول کلاشین» عراق، در اثر اصابت ترکش موشک های دشمن، به شهادت رسید.

صفحه آرای

واحد صفحه آرای روزنامه خراسان

سقارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

آگهی مزایده: شماره ۹۸/۴ (نوبت دوم) نام مزایده گزار: بانک سپه موضوع مزایده: فروش املاک مزاد بانک سپه

ردیف	شماره پلاک ثبتی	نوع کاربری	عرصه	امیان	قیمت پایه ریال)	آدرس	توضیحات	نحوه فروش
۱	پلاک ثبتی ۱۰۴۴ فرعی از ۷۸۲ فرعی از ۲۸ اصلی بخش ۶ بیرجند	تجاری	۱۴۳۳/۸۲	-	۱۰,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	خراسان جنوبی- سربیشه- بخش میدان بسیج	تخلیه سند شش دانگ	۱۰۰٪ نقدی
۲	۲۲۵۴ فرعی از یک اصلی از ۶۴۴ فرعی	ورزشی	۱۰۰۸	۴۳۰	۶۲۴,۷۰۶,۶۸۸	نهبندان- بلوار غدیر- خیابان پاهنر ۱۲-باشگاه ورزشی	سهم شش دانگ ۳/۷۱۸/۰۰۰/۰۰۰ سهم عرصه و اعیان	۲۰٪ نقد الباقی ۳۶ قسط متوالی
۳	شماره پروانه بهره برداری معدن گرانیت تالاران	شماره پروانه بهره برداری	نوع عاده معدنی	میزان استخراج سالیانه	۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	خراسان جنوبی- شهرستان نهبندان- بخش شوسف روستای خواجه دو چاهی	متقاضی می بایست کلیه شرایط قانونی از جمله صلاحیت فنی توان مالی و... مورد تایید سازمان محترم صنعت معدن و تجارت خراسان جنوبی را دارا باشد. همچنین معرفی مسئول فنی ارائه طرح بهره برداری تودیع ضوابط نامه از سوی متقاضی ضروری می باشد.	۲۰٪ نقدی الباقی ۳۶ قسط متوالی

زمان، مهلت و محل دریافت اسناد مزایده: علاقمندان به شرکت در مزایده می توانند پس از نشر آگهی جهت دریافت برگ شرایط مزایده با در دست داشتن فیش واریزی به مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ ریال به حساب ۴۶۰/۱۰۰۰۰ به نام بستانکاران این بانک نزد یکی از شعب بانک سپه در سراسر کشور بابت شرکت در مزایده به مدیریت شعب بانک سپه واقع در خراسان جنوبی- بیرجند- میدان طالقانی- دایره پشتیبانی و خدمات مراجعه نمایند.

الف: مهلت دریافت اسناد: حداکثر تا آخر وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۷/۱۰ **ب: مهلت تحویل پیشنهادات:** حداکثر تا آخر وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۸/۷/۲۰ **ج: کلیه اموال و املاک** عرضه شده با وضعیت موجود به فروش می رسد. **د: در شرایط مساوی اولویت با فروش نقدی است.**

ه: به میزان پرداخت غیر نقدی طبق تعرفه بانکی سود تلقی می گیرد. برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲۳۳۸۷۱۲۵ -۵۶ تماس حاصل فرمایید.

بانک سپه دایره پشتیبانی و خدمات- مدیریت خراسان جنوبی

۰۵۸۰۸۳۲۹۹